

73.0

۵۰۰

۲

۲۸۸

زنگنه



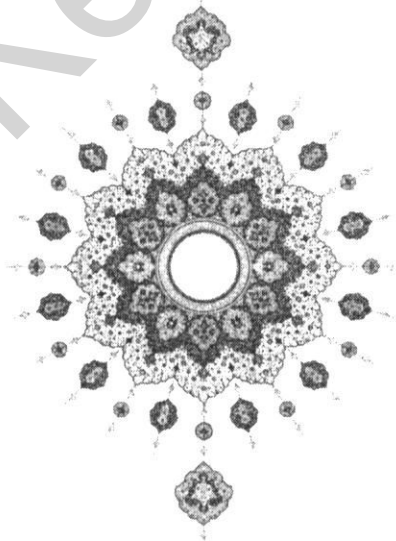
www.Ketab.ir

تقدیم به همسر گرانقدرم  
که با خلق آرامش در خانه،  
زمینه خلق چنین اثری را مهیا نمودند.  
خداوند مستدامش بفرماید.

www.ketab.ir

# تاریخ علم تفسیر

□ علی کریم پور قراملکی



www.Ketab.ir

سرشناسه: کریم پور قراملکی، علی  
عنوان و پدیدآور: تاریخ علم تفسیر / علی کریم پور قراملکی  
مشخصات نشر: تهران: قم: ادباء، ۱۳۹۷-  
مشخصات ظاهری: ۲۸۸ ص  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۶۴-۱۷-۶ (۱.ج)  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.  
یادداشت کتابنامه: ص. [۲۷۷] - ۲۸۸: همچنین به صورت زیرنویس  
موضوع: تفسیر - تاریخ  
موضوع: مفسران - سرگذشتنامه و کتابشناسی  
رده بندی کنگره: ۲۱۳۹۶ ت ۴ ک / BP ۹۲  
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۹  
شماره کتابشناسی: ۹۶۵۳۶۴



انتشارات ادباء

قم / خ بیت ا... مرعشی نجفی / یاساز قدس / طبقه بالا  
یلاک ۱۸۸ / نشر ادباء / صدرالادبانی

E-mail: odaba1388@yahoo.com

تلفن: ۳۷۷۴۴۶۸۴ - ۳۷۷۴۲۰۲۹ فاکس: ۳۷۷۴۰۴۸۰

## تاریخ علم تفسیر

ناشر: ادباء

مؤلف: علی کریم پور قراملکی

مدیر مسئول: سید شهرام صدرالادبانی

نوبت چاپ: دوم

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

سال چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپ: زمزم

قطع و تعداد صفحات: رقعی / ۲۸۸ صفحه

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۴۶۴ - ۱۷ - ۶

قیمت: ۲۰۰۰۰۰۰ ریال

## فهرست مطالب

۱۲	.....مقدمه
۲۱	.....فصل اول: کلیات و پیش نیاز
۲۲	.....تفسیر در لغت و اصطلاح
۲۳	.....تفاوت ترجمه و تفسیر
۲۴	.....تفاوت تفسیر و تأویل
۲۸	.....تاریخ تفسیر و جایگاه آن
۳۰	.....پیشینه تاریخ علم تفسیر
۳۳	.....فصل دوم: ادوار تاریخی علم تفسیر
۳۴	.....۱. دوره پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۳۷	.....شیوه‌های پیامبر در تفسیر آیات
۳۷	.....الف. شیوه عمومی و همه فهم
۳۷	.....ب. شیوه خصوصی در سطحی عمیق
۳۸	.....محدوده تفاسیر پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۳۸	.....الف. قول افراطی
۳۸	.....ب. قول تفریطی
۳۹	.....ج. قول معتدل
۳۹	.....اشکال تفاسیر پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۳۹	.....تبیین اجمال آیه
۴۱	.....نمونه‌های تفسیری
۴۴	.....تقید اطلاق

۴۵	نمونه‌های تفسیری .....
۴۶	تعیین مصداق .....
۴۶	نمونه‌های تفسیری .....
۴۹	تخصیص عام .....
۴۹	نمونه‌های تفسیری .....
۵۰	ابزار پیامبر در تفسیر آیات .....
۵۰	۱. تفسیر قرآن با قرآن .....
۵۱	۲. تفسیر قرآن با حدیث قدسی .....
۵۲	۳. تفسیر قرآن با افعال و سخنان خود .....
۵۳	۴. تفسیر قرآن با بیان سبب و شأن نزول .....
۵۵	۵. تفسیر قرآن با توضیح مفردات آیه .....
۵۶	اوصاف تفسیری دوران پیامبر .....
۵۷	دوران تفسیر صحابه .....
۵۸	دلایل اهمیت تفسیر دوران صحابه .....
۵۹	ویژگی‌های تفسیر در عصر صحابه .....
۶۱	- جایگاه علی <small>علیه السلام</small> در تفسیر قرآن .....
۶۱	ادله جایگاه برتر و ممتاز علی <small>علیه السلام</small> در تفسیر قرآن .....
۶۴	نخستین پایه گذار مکتب تفسیری .....
۶۵	دلایل پایه گذاری مکتب تفسیری توسط علی <small>علیه السلام</small> .....
۶۸	شیوه‌های تفسیری علی <small>علیه السلام</small> .....
۷۰	رویکردهای تفسیر حضرت علی <small>علیه السلام</small> .....
۷۰	تطبیق دقیق مفاهیم قرآنی بر رخداد‌های زمان .....
۷۲	شناسایی و شناسدن چهره واقعی دشمن .....
۷۳	امید آفرینی و نگاه مثبت به آینده جهان .....
۷۴	جایگاه ابن عباس در تفسیر .....
۷۷	- روش تفسیری ابن عباس .....
۷۷	تفسیر قرآن با قرآن .....
۷۸	تفسیر قرآن با سنت نبوی .....
۷۹	تفسیر قرآن با نظرات شخصی .....
۷۹	تفسیر قرآن با اشعار و لغات عرب، لهجه‌های عربی و واژه‌های مستعرب .....
۸۰	جایگاه تفسیری عبدالله بن مسعود .....
۸۲	روش تفسیری ابن مسعود .....

۸۴.....	تفسیر با آیات قرآن:
۸۳.....	تفسیر با سخنان پیامبر ﷺ
۸۳.....	تفسیر با سخنان خود.....
۸۳.....	جایگاه تفسیری ابی بن کعب.....
۸۵.....	روش تفسیری ابی بن کعب.....
۸۵.....	تفسیر با اسباب نزول.....
۸۵.....	تفسیر با سخنان پیامبر ﷺ
۸۶.....	تفسیر با تأملات شخصی.....
۸۷.....	دوران تفسیری تابعین.....
۸۸.....	ویژگی‌های دوران تفسیری تابعین.....
۹۰.....	مفسران ساکن در مکه.....
۹۱.....	۱. سعید بن جبیر.....
۹۲.....	۲. مجاهد بن جبر مکی.....
۹۳.....	۳. عکرمه.....
۹۴.....	مفسران ساکن در مدینه.....
۹۵.....	۱. سعید بن مسیب (متوفای ۹۴ ق).....
۹۶.....	۲. زید بن اسلم.....
۹۷.....	مفسران ساکن در عراق.....
۹۸.....	۱. علقمه بن قیس (م ۶۱ ه ق).....
۹۸.....	۲. حسن بصری (م ۱۱۰ ه ق).....

## فصل سوم: جایگاه اهل بیت در تفسیر قرآن کریم..... ۱۰۱

۱۰۲.....	مقدمه.....
۱۰۵.....	دیدگاه صحابه.....
۱۰۷.....	نقش‌های اهل بیت در تفسیر قرآن.....
۱۰۷.....	نقش استراژی ائمه مصومین در تفسیر قرآن.....
۱۰۷.....	نقش تربیتی و تعلیمی.....
۱۱۰.....	ارائه مبانی و اصول راهبردی.....
۱۱۱.....	تبیین انحرافات و کج‌اندیشی‌ها.....
۱۱۱.....	مبارزه با پدیده جعل احادیث و اسرائیلیات.....
۱۱۳.....	مخالفت با تفسیر به رأی.....
۱۱۴.....	مخالفت با آراء بی منطق.....

- ۱۱۵..... مخالفت با قطع ارتباط میان قرآن، سنت و عترت علیهم السلام
- ۱۱۶..... نگاه موردی به سخنان ائمه معصومین علیهم السلام در تشریح قرآن
- ۱۱۷..... الف. حضرت فاطمه زهراء.....
- ۱۱۸..... تفسیر با سخنان خویش.....
- ۱۱۹..... ب. امام علی علیه السلام.....
- ۱۲۰..... تفسیر با آیات قرآن.....
- ۱۲۱..... تفسیر با سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.....
- ۱۲۲..... تفسیر با سخنان خویش.....
- ۱۲۳..... ب. امام حسن علیه السلام.....
- ۱۲۳..... جایگاه تفسیری امام حسن علیه السلام.....
- ۱۲۴..... تفسیر با آیات قرآن.....
- ۱۲۵..... تفسیر با سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.....
- ۱۲۵..... تفسیر با تأملات شخصی.....
- ۱۲۶..... ج. امام حسین علیه السلام.....
- ۱۲۶..... جایگاه تفسیری.....
- ۱۲۷..... تفسیر با سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.....
- ۱۲۷..... تفسیر با سخنان علی علیه السلام.....
- ۱۲۸..... تفسیر با استنباط شخصی.....
- ۱۲۸..... د. امام سجاد علیه السلام.....
- ۱۲۹..... جایگاه تفسیری.....
- ۱۲۹..... تفسیر با آیات قرآن.....
- ۱۳۰..... تفسیر با سنت نبوی.....
- ۱۳۱..... تفسیر با آراء شخصی.....
- ۱۳۱..... امام محمد باقر علیه السلام.....
- ۱۳۲..... جایگاه تفسیری.....
- ۱۳۲..... تفسیر با آیات قرآن.....
- ۱۳۳..... تفسیر با سخنان اجداد پاکش.....
- ۱۳۴..... تفسیر با تأملات شخصی.....
- ۱۳۵..... تفسیر با جری و تطبیق.....
- ۱۳۵..... امام صادق علیه السلام.....
- ۱۳۵..... جایگاه تفسیری.....



۱۳۶	تفسیر با تشبیه و تمثیل
۱۳۸	تفسیر با توضیح واژگان
۱۳۸	تفسیر با بهره‌گیری از قواعد عرب
۱۳۹	امام موسی کاظم <small>علیه السلام</small>
۱۳۹	جایگاه تفسیری
۱۴۰	تفسیر با جری و تطبیق
۱۴۱	تفسیر با سخنان معصومین <small>علیهم السلام</small>
۱۴۲	تفسیر با سخنان خود
۱۴۵	امام رضا <small>علیه السلام</small>
۱۴۶	جایگاه تفسیری
۱۴۷	تفسیر با آیات قرآن
۱۴۷	تفسیر با سخنان معصومین
۱۴۹	تفسیر با سخنان خود
۱۵۱	امام جواد <small>علیه السلام</small>
۱۵۱	جایگاه تفسیری
۱۵۳	تفسیر با آیات قرآن
۱۵۳	تفسیر با سخنان خود
۱۵۶	امام هادی <small>علیه السلام</small>
۱۵۷	جایگاه تفسیری
۱۵۷	تفسیر با آیات قرآن
۱۵۹	تفسیر با جری و تطبیق
۱۵۹	تفسیر با سخنان ائمه <small>علیهم السلام</small>
۱۶۲	تفسیر با سخنان خود
۱۶۳	امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۱۶۳	جایگاه تفسیری
۱۶۵	تفسیر با تطبیق و جری
۱۶۵	تفسیر با آیات قرآن
۱۶۷	تفسیر با سخنان خود
۱۶۸	امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۶۸	تفسیر با سخنان خود

**فصل چهارم: نگاهی به ابعاد تفسیری در طول تاریخ ..... ۱۷۱**

مقدمه .....	۱۷۲
مکتب نخست: مکتب لغوی و ادبی .....	۱۷۲
قرآء و شیوه او در تفسیر؛ .....	۱۷۳
ابوعبیده و شیوه تفسیری او .....	۱۷۵
زجاج و شیوه تفسیری اوژ .....	۱۷۸
مکتب دوم: مکتب کلامی و اعتقادی .....	۱۸۰
معتزلی و شیوه تفسیری آنها .....	۱۸۱
مکتب اشعری و شیوه تفسیری آنها .....	۱۸۵
مکتب امامیه و شیوه تفسیری آنها .....	۱۹۰
مکتب سوم: مکتب علمی و تجربی .....	۱۹۳
مکتب چهارم: مکتب روائی .....	۱۹۸
مکتب پنجم: مکتب عرفانی و اشراقی .....	۲۰۲

**فصل پنجم: سیرئ در آثار تفسیری اهل سنت ..... ۲۰۷**

مقدمه .....	۲۰۸
آثار تفسیری اهل سنت در عرصه تاریخ .....	۲۰۹
قرن اول .....	۲۰۹
قرن دوم .....	۲۱۰
قرن سوم .....	۲۱۱
قرن چهارم .....	۲۱۱
قرن پنجم .....	۲۱۲
قرن ششم .....	۲۱۳
قرن هفتم به بعد .....	۲۱۴
تفاسیر معاصر اهل سنت .....	۲۱۵
۱. تفسیر محمد عبده .....	۲۱۵
۲. تفسیر وهبه زحیلی .....	۲۱۷
۳. تفسیر محمدامین بن محمد الشنقیطی .....	۲۲۰

**فصل ششم: سیرئ در آثار تفسیری تشیع ..... ۲۲۵**

مقدمه .....	۲۲۶
قرن نخست .....	۲۲۷

۲۲۸	قرن دوم
۲۳۰	قرن سوم
۲۳۲	قرن چهارم
۲۳۳	تفسیر عیاشی
۲۳۹	تفسیر قمی
۲۴۴	قرن پنجم
۲۴۵	قرن ششم
۲۴۷	قرن هفتم
۲۴۷	قرن هشتم
۲۴۹	تفاسیر معاصر شیعه
۲۴۹	۱. جایگاه تفسیر المیزان؛
۲۵۱	مزایا و محاسن المیزان
۲۵۳	اسلوب تفسیری
۲۵۴	مبانی تفسیری
۲۵۵	گرایش تفسیری
۲۵۵	منابع تفسیر
۲۵۷	تبیین معارف قرآنی در المیزان
۲۵۷	الف. تقيه
۲۵۸	ب. شفاعت
۲۶۰	د. امامت
۲۶۰	هـ. رجعت
۲۶۲	و. توسل
۲۶۴	تفسیر آیه الله دکتر صادقی
۲۶۶	تفسیر آیه الله جعفر سبحانی
۲۶۸	تفسیر آیه الله مکارم شیرازی
۲۷۰	تفسیر آیه الله جوادی آملی
۲۷۷	منابع

## مقدمه

قرآن کریم با نزول خود از طرف خداوند توسط پیامبر گرامی اسلام ﷺ هدایت و راهنمایی مردم را به سوی کمال و سعادت بر عهده گرفت و با صدای بی نظیر و بی رقیبی، اعلام داشت که بعد از این تا روز قیام قیامت، قرآن کریم تنها راه مستقیم و پایداری خواهد بود که می‌تواند مردم را به سمت خداوند سوق بدهد: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا».<sup>۱</sup> کتاب بی نظیری که هدایتش را شامل همه نمود و در آن، کوچک و بزرگ، جوان و غیر جوان، زن و مرد، سفید و غیر و سفید را یکسان تحویل گرفت: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ»<sup>۲</sup> البته، هدایت ویژه ای داشت که آن را، مختص و قسمت کسانی کرد که

---

۱. سوره اسراء، آیه ۹.

۲. سوره بقره، آیه ۱۸۵.

فطرت خدا دادی خودشان راه از همه آلودگی‌های نفسانی و شیطانی سالم نگه داشته باشند: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»<sup>۱</sup> چرا که خداوند از باب مثال، بارانی را از آسمان می‌فرستد؛ ولی این آب مختص نقاطی می‌گردد که آمادگی بهره‌گیری از آن را داشته باشند: «أُنزِلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءٌ فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا؛ خداوند از آسمان آبی فرستاد و از هر دره و رودخانه‌ای به اندازه آنها سیلابی جاری شد»<sup>۲</sup> طبق حدیث منقول از پیام آور مهر و رحمت، رسول خدا ﷺ: «القرآن مَأْدِبُهُ اللَّهُ، فَتَعَلَّمُوا مَأْدِبَتَهُ ما استطعتم؛ قرآن طعام آماده خداوند است، آنچه می‌توانید از آن فرا گیرید.»<sup>۳</sup> نیز، فقط کسانی می‌توانند از آن نفع ببرند که خودشان راه، آماده بهره برداری بکنند و سر سفره بشینند و از بیماریهای مختلف، مانند کبر، حسد و حقد در امان باشند. از اینرو، خداوند در آیه ۸۲ سوره اسراء می‌فرماید: «وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا». پس، قرآن کریم همانند غذای سالمی است که تنها انسانهای سالم، می‌توانند از آن بهره مند گردند.

این در حالی است که قرآن کریم، طبق بیان امیر بیان و مولای عارفان حضرت علی عليه السلام: «ان القرآن ظاهره انيق و باطنه عميق، لا تقنى عجائبه و لا تنقضى غرائبه...؛ ظاهر قرآن زیباست، باطن آن ژرف ناپیدا است، عجایب

۱. سوره بقره، آیه ۲.

۲. سوره رعد، آیه ۱۷.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۹.

آن سپری نگردد، غریب آن به پایان نرسد.»<sup>۱</sup>، شکلی بی بدیل و معانی بلند و محتوایی عالی دارد. بنابراین، بهره مندی درست از قرآن منوط به داشتن روحی سالم از آلودگی‌های درونی و بیرونی است.

از آنچه بیان شد، نتیجه می‌گیریم که قرآن کریم در زندگی انسان، همچون تابلویی در راه است که مقصد را به همراه کیفیت رسیدن به محل مورد نظر نشان می‌دهد؛ تابلو برای استفاده همگان نصب گردیده؛ ولی کسانی می‌توانند از این تابلو استفاده بکنند که انسان عاقل بوده باشند به این معنا که شعور را به جای شعار، محور زندگی شان قرار داده باشند. کسی که مقصدی را در نظر گرفته و در «غویت» نیست، میداند که برای رسیدن به مقصدش، باید از تابلو استفاده بکند. همینطور، برای اینکه در «ضلالت» هم نیافتد، لازم است از تابلو استفاده بکند، خواه عالم و سواد خواندن را داشته باشد یا نداشته باشد. اتفاقاً در نظر قرآن هم، عنوان «جاهل» فقط به غیر عالم اطلاق نمی‌گردد، بلکه به کسی هم که عالم باشد؛ ولی به دلیل امراض روحی از به کارگیری عقل و شعور خود اجتناب بکند، جاهل گفته می‌شود. منتهی شخص غیر عالم، جهل تظری دارد و فرد عالم، جهل عملی دارد و عاجز از مقاومت در برابر خواهشهای نفسانی و شیطانی است. نتیجه اینکه، انسان در حیات دنیوی خود، راه چاره ای جز بهره‌گیری از تابلو؛ یعنی قرآن کریم در زندگی خود ندارد، خواه دکتر و مهندس باشد یا نباشد. چون که قرآن کتاب هدایت و تربیت

است و تربیت همه انسانها را شامل است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «رُبَّ عَالَمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ وَعِلْمُهُ مَعَهُ لَا يَنْفَعُهُ؛ چه بسا عالمی که جهلش، او را می‌کشد و علم همراه او، به او نفعی نمی‌رساند.»<sup>۱</sup>

تا اینجا، بیان شد که قرآن کریم، همانند تابلو راهنمایی و رانندگی در جاده‌های زندگی است که برای انسان لازم است از آنها استفاده ببرد؛ ولی یک نکته باقی ماند و آن این است که تابلو راهنمایی تا وقتی که از قبل تفسیر نشده باشد نمی‌تواند مسافر را کمک بکند. قرآن کریم نیز، گرچه خود نور و بیان لکل شیء و شفاء است؛ ولی به جهت اینکه آیات ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه دارد و انواع تشبیهات و کنایات و مجازات کلامی در آن به کار رفته است، نیازمند تفسیر اساسی است. به همین سبب است که خداوند، یکی از وظایف اساسی پیامبر صلی الله علیه و آله را، بیان و تبیین قرآن کریم معرفی می‌کند و می‌فرماید: «وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي هُمْ اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ.»<sup>۲</sup> و از طرف دیگر، مردم را به تبعیت از ایشان موظف نموده و می‌فرماید: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ.»<sup>۳</sup>

وقتی هم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رحلت می‌نمایند، افراد صلاحیت دار و آگاه

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۰۷.

۲. سوره نحل، آیه ۶۴.

۳. سوره حشر، آیه ۷.

که در جهات علمی و عملی از افراد شاخص محسوب می‌شوند، وظیفه تفسیر و تبیین آیات را بر عهده می‌گیرند. البته، آنها در نوبت نخست، همان ائمه معصومین‌اند که در قرآن با عنوان «مطهرون» و «راسخون» از آنها نام برده شده است. همان گونه که در اصول کافی و وسائل الشیعه عنوانی با عبارت: «الراسخون فی العلم علی و اولاده علیهم السلام» آمده است.<sup>۱</sup>

در نوبت‌های بعدی هم، عالمان وارسته ای هستند که به جهت شمول عناوین مذکور بر آنها، می‌توانند از عهده تفسیر صحیح قرآن بر بیایند. اینها، غواصان معرفت و طالبان هدایتند که می‌خواهند از لثالی ارزشمند قرآن، درهای نابی را اصطیاد بکنند. قرآن کریم به افراد فوق به طور عموم در آیه ۷۰ سوره واقعه: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» و آیه ۷ سوره آل عمران: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»<sup>۲</sup> و سایر آیات اشاره می‌نمایند.

خوشبختانه، در طول تاریخ همت، جد و جهد عالمان اسلامی بر این نقطه متمرکز گشته که همه انرژی خودشان را جمع بکنند تا بتوانند از این

۱. محمد بن یعقوب کلینی، کافی: ج ۱ ص ۲۱۳ باب ان الراسخون فی العلم ...؛ محمد بن

حسن حر عاملی، وسائل: ج ۱۸ ص ۱۳۲ الباب ۱۳ من أبواب صفات القاضی ح ۷.

۲. سوره آل عمران، آیه ۷.



بحر عمیق، گوهرهایی ناب را صید بکنند؛ چون که کتاب آسمانی در واقع همانند بحری عمیق و معدنی سرشار است که تا به دست کارشناسان استکشاف، استخراج و استحصال و تبدیل آن به فراوردهای ساده و همه فهم صورت نگیرد، کسی نمی‌تواند خوب و در حد اعلی از آن بهره مند گردد.

افزون بر آن، قرآن کریم، معلوماتی را به انسان عرضه می‌دارد که انسان بدون بهره‌گیری از منبع وحی، نمی‌تواند به آنها برسد. خداوند در آیه ۱۵۱ سوره بقره: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» اشاره دارد بر اینکه رسول گرامی اسلام، افزون بر تلاوت کتاب و تزکیه شما و تعلیم کتاب و حکمت، اموری را هم به شما یاد می‌دهد که شما بدون بهره‌گیری از ایشان، قادر به آگاهی به آنها نمی‌باشید، مانند امور مربوط به وحی، عالم فرشتگان، ملکوت، و احوال و احوال روز قیامت و غیره. بنابراین، لازم است قرآن را شناخت و به زبان و رموز آن پی برد و بعد آن را به دیگران، که مشغولیتی حرفه‌ای و تخصصی در آن ندارند، شناساند. امام علی علیه السلام در فرمایشی بیان می‌دارد که قرآن، امر کننده و باز دارنده است؛ ولی ساکت و گویاست: «فالقُرآنُ أمرٌ زاجرٌ، صامتٌ و ناطقٌ؛ قرآن دستور دهنده و باز دارنده و ساکت و گویاست»<sup>۱</sup> و به ابن عباس هم فرمود: «با آنان، با قرآن مجاهد نکن؛ چه اینکه قرآن بر معناهای متعددی

قابل حمل است». «فان القرآن حمّال ذو وجوه، تقول و يقولون؛ قرآن، حامل معانی و وجوهی است. تو از آن سخن می‌گویی و آنان جواب می‌دهند». لذا در فرمایشی دیگر بیان می‌کنند که برای قرآن شناسی، سخن دانی و کلام شناسی لازم و ضروری است که فقط، از اهلش بر می‌آید: «و انما ینطق عنه الرجال»<sup>۲</sup>

مفسران و قرآن پژوهان، همین افرادی‌اند که سعی کرده‌اند این وظیفه خطیر را، بر عهده بگیرند. آنان در طول سالیان متمادی، تلاش نموده‌اند که آنچه را می‌فهمند بر طبق اخلاص گذاشته و در اختیار دیگران بگذارند. گرچه در این وادی عظیم، تفسیر و تبیین کسانی نافع و مفید به حال بشریت شد. که در سایه بهره‌گیری از قدرت عقلانی خود، از دریای خود قرآن و سنت پیامبر ﷺ و معصومین علیهم‌السلام هم دور نیفتاده باشند. بدون شک، اطلاع و آگاهی از تلاش این تلاشگران، می‌تواند راه پر پیچ و خمی را در پیش روی چشم تماشاگران خود بگشاید که آنها هم با چشم باز، راه مذکور را طی بکنند.

در سالیان اخیر، مطالعه بُعد تاریخی علوم اهمیت زیادی پیدا کرده است. در این میان، بررسی و مطالعه تاریخ علم تفسیر، می‌تواند نقش بسزایی در رشد و بالندگی علم تفسیر ایفاء بکند. از اینرو، یکی از تلاش‌های قرآن پژوهان در زمان کنونی، مطالعه روند تاریخی علم تفسیر می‌باشد. بدیهی

۱. همان، نامه‌ها، شماره ۷۷.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵.

است که در رابطه با تاریخ علم تفسیر، آثار مستقلى با عناوین مربوط به تاریخ علم تفسیر توسط قرآن پژوهان معاصر به رشته تحریر در آمده است لکن به جهت اینکه هر کدام از آنها، تنها به بعدی از ابعاد تاریخی علم مذکور اشاره داشته و یا به مواردی که خیلی مربوط به علم مزبور نمی باشد اشاره کرده بودند، ما در صدد برآمدیم خودمان به صورت مستقل اثری را به تدریج آماده بنماییم که بتواند تحولاتی که در طول تاریخ تفسیر رخ داده، نشان بدهد، به خصوص در این میان، سعی کردیم به نقش ائمه معصومین علیهم السلام در تفسیر قرآن که الحق و الانصاف نقشی برجسته و ویژه می باشد، اشاره بنماییم تا معلوم بشود که دیگران، در مقابل خدمات این حضرات، کاری قابل توجه انجام نداده اند.

سعی شد که نوشته در هفت فصل ذیل به رشته تحریر در بیاید.

فصل نخست به کلیات و پیش نیاز مباحثی همچون: بیان تفسیر در لغت و اصطلاح و تفاوت آن با ترجمه و نیز تاریخچه علم تفسیر مختص گردید. فصل دوم ادوار تاریخی تفسیر را شامل شد.

در فصل سوم، جایگاه بی بدیل ائمه معصومین علیهم السلام در تفسیر اشاره گردید. در فصل چهارم هم، نقش های متفاوت آن حضرات مطالبی آمد. سپس در فصل پنجم، مکاتب تفسیری در طول تاریخ مباحثی مطرح گردید.

آنگاه در فصل ششم، برخی از آثار تفسیری اهل سنت مورد بررسی قرار گرفت.

در فصل آخر نیز، آثار تفسیری از تشیع معرفی گردید.

شاید، آنچه که می‌تواند اثر کنونی را از سایر آثار مشابه خود جدا کند، اشاره برجسته و مخصوص به جایگاه ائمه معصومین و نقش‌های متفاوت آنان در تفسیر باشد که تقریباً در سایر آثار به این حدی که در این کتاب به آنها پرداخته شده، اشاره نگردیده است.